



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ عترت و اهل بیت پیامبر خاتم
۲. اخلاق؛ مکارم اخلاق؛ نیکی با پدر و مادر و خویشاوندان
۳. احکام؛ مشاغل و مکاسب حرام

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: رضا راضی

تاریخ: ۱۳۹۵/۱۲/۲۸

آیا مجیزگویی و مبالغه در خصوص پدر و مادر و امامان اهل بیت صحیح است؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۶/۱/۳

«تملق» و «مبالغه» درباره‌ی کسی، به معنای ستایش او به صفاتی که در او وجود ندارد، «کذب» و «غلو» محسوب می‌شود و جایز نیست، اگرچه پدر و مادر یا امامی از امامان اهل بیت باشد؛ چنانکه خداوند در کتاب خود فرموده است: ﴿لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُجِبُونَ أَنَّ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبْنَهُمْ بِمَقَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^۱؛ «گمان نبر کسانی که به آنچه کرده‌اند شادمانند و دوست می‌دارند که به آنچه نکرده‌اند ستایش شوند، پس گمان نبر که آنان از عذاب رهایی می‌یابند و برایشان عذابی دردناک است» و این مستلزم حرمت ستایش کسی به چیزی است که در او وجود ندارد؛ چراکه علاوه بر «کذب» و «غلو»، «اعانت بر اثم و عدوان» محسوب می‌شود.

البته حرمت «تملق» و «مبالغه» درباره‌ی پدر و مادر، با وجوب احترام و احسان به آنان منافاتی ندارد؛ چراکه احترام و احسان به آنان با تواضع، ادب و دعای خیر برای آنان و برآوردن نیازها و خواسته‌های مشروعشان حاصل می‌شود، اگرچه با ستایش آنان به صفاتی که در آنان نیست همراه نباشد؛ همچنانکه حرمت «تملق» و «مبالغه» درباره‌ی امامان اهل بیت، با وجوب مودت و اطاعت آنان منافاتی ندارد؛ چراکه مودت و اطاعت آنان با اقرار به فضائل موجود در آنان و برآوردن نیازها و خواسته‌هایشان حاصل می‌شود، اگرچه با ستایش آنان به صفاتی که در آنان نیست همراه نباشد؛ چنانکه در گفتاری از علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی آمده است:

۱. آل عمران / ۱۸۸

«لَا بَأْسَ بِذِكْرِ أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَوُصِفَ أَعْمَالُهُمُ وَالثَّنَاءُ عَلَيْهِمُ بِالْحَقِّ، وَيَحْرُمُ الْكُذْبُ فِيهِمْ وَالْإِفْتِرَاءُ عَلَيْهِمْ قَطْعًا، وَلَا بَأْسَ بِالْبُكَاءِ عَلَى مَصَائِبِهِمْ وَإِنْشَادِ الشُّعْرِ فِيهِمْ إِذَا كَانَ صِدْقًا»^۱؛ «یاد کردن از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و توصیف کارهای آنان و ستایش آنان به حق، اشکالی ندارد و دروغ گفتن درباره‌ی آنان و افترا زدن بر آنان قطعاً حرام است و گریستن بر مصائب آنان و سرودن شعر برای آنان هرگاه راست باشد اشکالی ندارد»، هر چند مدّاحی بسیار درباره‌ی آنان به نحوی که در میان اهل تشیع معمول است، غالباً خالی از «کذب» و «غلو» نیست. از این رو، در روایتی عام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسیده است که فرمود: «إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَدَّاحِينَ فَاخْشَوْا فِي وُجُوهِهِمُ الثَّرَابَ»^۲؛ «هرگاه مدّاحان را دیدید بر روی‌هاشان خاک بپاشید» و در روایتی مشهور از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام رسیده است که خطاب به مدح‌کننده‌ی خویش فرمود: «إِنَّ مِنْ حَقِّ مَنْ عَظَّمَ جَلَالَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فِي نَفْسِهِ وَجَلَّ مَوْضِعُهُ مِنْ قَلْبِهِ أَنْ يَصْغُرَ عِنْدَهُ لِعَظَمِ ذَلِكَ كُلِّ مَا سِوَاهُ وَإِنْ أَحَقَّ مَنْ كَانَ كَذَلِكَ لِمَنْ عَظَّمَتْ نِعْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلَطَفَ إِحْسَانُهُ إِلَيْهِ فَإِنَّهُ لَمْ تَعْظُمِ نِعْمَةُ اللَّهِ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا أَزَادَ حَقُّ اللَّهِ عَلَيْهِ عَظَمًا وَإِنْ مِنْ أَسْخَفِ خَالَاتِ الْوَلَاةِ عِنْدَ صَالِحِ النَّاسِ أَنْ يُظَنَّ بِهِمْ حُبُّ الْفَخْرِ وَيُوضَعَ أَمْرُهُمْ عَلَى الْكِبَرِ وَقَدْ كَرِهْتُ أَنْ يَكُونَ جَالٌ فِي ظَنِّكُمْ أَنِّي أَحِبُّ الْإِطْرَاءَ وَاسْتِمَاعَ الثَّنَاءِ وَلَسْتُ بِحَمْدِ اللَّهِ كَذَلِكَ وَلَوْ كُنْتُ أَحِبُّ أَنْ يُقَالَ ذَلِكَ لَتَرَكْتُهُ انْحِطَاطًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ عَنْ تَنَاوُلِ مَا هُوَ أَحَقُّ بِهِ مِنَ الْعَظَمَةِ وَالْكَبَرِيَاءِ وَرُبَّمَا اسْتَخْلَى النَّاسُ الثَّنَاءَ بَعْدَ الْبَلَاءِ فَلَا تُثْنُوا عَلَيَّ بِجَمِيلِ ثَنَاءٍ لِإِخْرَاجِي نَفْسِي إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَإِلَيْكُمْ مِنَ الثَّقِيَّةِ فِي حُقُوقٍ لَمْ أَفْرُغْ مِنْ أَدَائِهَا وَفَرَائِضٍ لَا بَدَّ مِنْ إِمْضَائِهَا فَلَا تَكَلِّمُونِي بِمَا تَكَلَّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةُ وَلَا تَتَحَفَّظُوا مِنِّي بِمَا يَتَحَفَّظُ بِهِ عِنْدَ أَهْلِ الْبَادِرَةِ وَلَا تُخَالِطُونِي بِالْمُضَانَعَةِ وَلَا تَطْنُوا بِي اسْتِثْقَالًا فِي حَقِّ قِيلَ لِي وَلَا التَّمَّاسَ إِعْظَامِ لِنَفْسِي فَإِنَّهُ مَنْ اسْتَثْقَلَ الْحَقُّ أَنْ يُقَالَ لَهُ أَوْ الْعَدْلُ أَنْ يُعْرَضَ عَلَيْهِ كَانَ الْعَمَلُ بِهِمَا أَثْقَلَ عَلَيْهِ فَلَا تَكْفُوا عَنْ مَقَالَةٍ بِحَقِّ أَوْ مَشُورَةٍ بَعْدَلٍ فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقٍ أَنْ أَخْطِئَ وَلَا أَمَنْ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي إِلَّا أَنْ يَكْفِيَ اللَّهُ مِنْ نَفْسِي مَا هُوَ أَمْلَكُ بِهِ مِنِّي فَإِنَّمَا أَنَا وَأَنْتُمْ عِبِيدٌ مَمْلُوكُونَ لِرَبِّ لَا رَبَّ غَيْرُهُ يَمْلِكُ مِنَّا مَا لَا نَمْلِكُ مِنْ أَنْفُسِنَا وَأَخْرَجَنَا مِمَّا كُنَّا فِيهِ إِلَى مَا صَلَخْنَا عَلَيْهِ فَأَبْدَلْنَا بَعْدَ الضَّلَالَةِ بِالْهُدَى وَأَعْطَانَا الْبَصِيرَةَ بَعْدَ الْعَمَى»^۳؛ «هرآینه بر کسی که جلال خداوند در جانش بزرگ آمده و جایگاه او در دلش سترگ نموده حق است که به خاطر بزرگی آن هر چه بجز اوست در نزدش خرد نماید و هرآینه سزاوارترین کس به چنین بودن کسی است که نعمت خداوند بر او بزرگ‌تر و احسان خداوند به او بیشتر بوده است؛ چراکه نعمت خداوند بر احدی بزرگ‌تر نمی‌شود مگر اینکه حق خداوند بر او بزرگ‌تر می‌شود

۱. گفتار ۴۱، فقره‌ی ۱

۲. مسند أبي داود الطيالسي، ص ۱۵۸؛ مسند ابن الجعد، ص ۴۲؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۶، ص ۲۰۵؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۹۴ و ج ۶، ص ۵؛ صحيح مسلم، ج ۸، ص ۲۲۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۲۳۲؛ سنن أبي داود، ج ۲، ص ۴۳۷؛ سنن الترمذي، ج ۴، ص ۲۶؛ من لا يحضره الفقيه لابن بابويه، ج ۴، ص ۱۱؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۱۰، ص ۲۴۲

۳. الكافي للكليني، ج ۸، ص ۳۵۵؛ نهج البلاغة للشریف الرضی، ص ۳۳۵

و هرآینه ناپسندترین حالات حاکمان نزد مردمان صالح این است که به آنان دوست داشتن فخر گمان رود و رفتارشان بر کبر حمل شود و من کراحت دارم از اینکه به گمان شما راه یابد که من تمَلِّق و شنیدن ستایش را دوست می‌دارم؛ چراکه بحمد الله چنین نیستم و اگر هم دوست می‌داشتم که چنین گفته شود آن را با فروتنی برای خداوند سبحان از تعظیم و بزرگداشتی که او بدان سزاوارتر است و می‌گذاشتم و چه بسا مردم خوش می‌دارند که پس از زحمت کشیدن ستایش شوند، پس من را به نیکی ستایش نکنید تا خودم را در رابطه با خداوند و در رابطه با شما از عهده‌ی حقوقی که هنوز اداء نکرده‌ام و واجباتی که باید به جای آورده شود برآورم، پس با من چنان سخن نگویند که با گردن‌کشان سخن می‌گویند و از من بیم چیزی را نداشته باشید که از تندخویان بیم دارند و به چرب‌زبانی با من معاشرت نکنید و نپندارید که قبول سخن حقّی بر من سنگین است یا در پی آنم که خودم را بزرگ نمایم؛ زیرا کسی که گفتن سخن حق یا پیشنهاد شدن عدالت به او برایش سنگین باشد، عمل به آن دو برایش سنگین‌تر خواهد بود، پس از گفتن حقّی یا پیشنهاد کردن عدالتی به من خودداری نکنید؛ زیرا من در نزد خودم برتر از آن نیستم که خطایی کنم و از آن در کار خودم ایمن نیستم، مگر اینکه خداوند چیزی از خودم را کفایت کند که به آن از من توانا تر است؛ زیرا من و شما تنها بندگانی مملوک پروردگاری هستیم که جز او پروردگاری نیست و مالک چیزی از ماست که ما مالک آن از خودمان نیستیم و ما را از چیزی که در آن بودیم به چیزی که با آن اصلاح شدیم بیرون آورد، پس ما را پس از گمراهی هدایت بخشید و پس از کوری بینایی داد!»

از اینجا دانسته می‌شود که امامان اهل بیت از «تمَلِّق» و «مبالغه» درباره‌ی خود بیزارند و یاران و شاگردان صدیق‌شان مانند علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی نیز همین گونه‌اند؛ چنانکه به عنوان نمونه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«قَامَ الْمَنْصُورُ فِينَا خَطِيْبًا، فَوَعظَنَا وَأَحْسَنَ وَعظَنَا، حَتَّى افشَعَرَتِ الْجُلُودُ وَرَجَفَتِ الْقُلُوبُ وَبَكَتِ الْعُيُونُ وَرَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ! فَلَمَّا جَلَسَ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا فَمَدَحَهُ وَقَالَ لَهُ فِي مَدْحِهِ: إِنَّكَ لَأَنْتَ إِلَهٌ الْوَاعِظِينَ! فَغَضِبَ الْمَنْصُورُ غَضَبًا شَدِيدًا وَقَالَ لَهُ: أَسْكُتْ -أَسْكُتْكَ اللَّهُ- فَإِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَمَّا أَنَا فَمُعَلِّمٌ خَيْرٌ! فَقَالَ لَهُ الْمَادِحُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنِّي مَا عَنِيتُ مِنَ الْإِلَهِ مَا يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَلَكِنَّهُ كَلِمَةٌ يَقُولُونَهَا بِالسَّنَنِهِمْ! فَقَالَ لَهُ: وَهَلْ أَهْلَكَ النَّصَارَى إِلَّا كَلِمَةً يَقُولُونَهَا بِالسَّنَنِهِمْ؟! «كَبُرَتْ كَلِمَةٌ تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا»! ثُمَّ التَفَتَ إِلَى أَصْحَابِهِ وَقَالَ: اْعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ -يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ- فَإِنَّ الشَّيْطَانَ بَيِّضٌ وَيَفْرَحُ! فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، هَلْ لَنَا أَنْ نُسَمِّيكَ الْإِمَامَ كَمَا يُسَمِّي النَّاسُ قَادَتَهُمْ؟ قَالَ: لَا، ذَاكَ اسْمٌ لَا يَتَسَمَّى بِهِ غَيْرُ الْمَهْدِيِّ إِلَّا دَجَالٌ»؛^۲

۱. الکهف/ ۵

۲. گفتار ۱۱۷، فقره‌ی ۱۴



«منصور در میان ما به خطبه‌ای برخاست، پس ما را اندرز داد و نیکو اندرز داد تا جایی که پوست‌ها لرزید و دل‌ها تکان خورد و چشم‌ها گریست و صداها بالا رفت! پس چون نشست مردی از یارانمان به سوی او برخاست و او را ستایش کرد و در ستایش او گفت: هرآینه تو خدای واعظانی! پس منصور سخت به خشم آمد و به او فرمود: ساکت شو که خداوند ساکت کند؛ چراکه جز خداوند خدایی نیست و من تنها معلّم خیری هستم! پس ستایشگر گفت: فدایت شوم، منظور من از خدا کسی که جز خداوند بلندمرتبه پرستش شود نبود، بل آن کلمه‌ای است که با زبان‌هاشان می‌گویند! پس به او فرمود: و آیا مسیحیان را جز کلمه‌ای که با زبان‌هاشان می‌گویند هلاک کرد؟! >کلمه‌ی بزرگی است که از دهان‌هاشان بیرون می‌آید، آنان جز دروغی نمی‌گویند! < سپس به یاران خود روی نمود و فرمود: بدانید که چه می‌گویید - خداوند شما را بیمارزد-؛ چراکه شیطان تخم می‌گذارد و جوجه می‌کند! در این هنگام من گفتم: فدایت شوم، آیا ما می‌توانیم تو را امام بنامیم همان طور که مردم رهبران‌شان را (امام) می‌نامند؟ فرمود: نه، این نامی است که جز مهدی کسی به آن نامیده نمی‌شود مگر دجال».

آری، این خصلت امامان اهل بیت و خصلت یاران و شاگردان صدیق آنان مانند علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است که به تعبیر آن جناب «نه چرب‌زبانی چاپلوس آنان را می‌فریبید و نه بریدن مردم آنان را می‌ترساند»^۱؛ بر خلاف خصلت عالمان ریاکار که به تعبیر آن جناب «چاپلوسی جاهلان آنان را فریب داده و القاب باشکوه آنان را خوش آمده است»^۲؛ همانان که «بالا تر از دیگران می‌نشینند و از گوشه‌ی چشم به آن‌ها می‌نگرند و دست‌های خود را برای بوسیدن‌شان پیش می‌آورند و آن‌ها را از چاپلوسی و یاوه‌گویی درباره‌ی خود باز نمی‌دارند و اعوانشان از پیش رویشان مسلمانان را کنار می‌زنند و دور می‌کنند»^۳، یا مدعیان دروغین که به تعبیر آن جناب «هر روز به رنگی در می‌آیند و درباره‌ی خود ادّعی جدیدی می‌کنند و به کشف تازه‌ای نائل می‌شوند؛ چراکه جاه‌طلبی‌ها و گزافه‌گویی‌هاشان را پایانی نیست»^۴؛ همانان که هر کدامشان در گوشه‌ای «فرومایگانی چند را گرد آورده و سرگرم ساخته و به این باور رسانده است که دوستان خداوندند و دوستانی جز آنان برای خداوند نیست، در حالی که نه در علم با دوستان او قرابتی دارند و نه در عمل با آن‌ها شباهتی؛ جز اینکه نام‌های آن‌ها را بر خود نهاده‌اند و مقام‌های آن‌ها را ادّعا کرده‌اند، تا شاید بهتر از چیزی که هستند به نظر آیند یا به سبب کاری که انجام نداده‌اند ستایش شوند»^۵.

۱. گفتار ۲۸

۲. نامه‌ی ۷

۳. بازگشت به اسلام، ص ۸۵

۴. گفتار ۱۸

۵. گفتار ۷۸

حاصل آنکه احترام و احسان به پدر و مادر و موَدّت و اطاعت امامان اهل بیت واجب است، ولی «تملّق» و «مبالغه» درباره‌ی آنان جایز نیست، بلکه چه بسا به اندازه‌ی انکار یا کتمان فضائل شان زیانبار و خطرناک است.

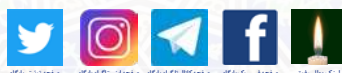


پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.